

رابطه منش‌های اخلاقی و پرخاشگری در دانشجویان: نقش واسطه‌ای

هیجانان شرم و گناه*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۱

شبهلا دهقانی^۱

فرهاد خرمائی^{۲*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای هیجانان شرم و گناه در رابطه بین منش‌های اخلاقی و پرخاشگری بود.

روش: روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۴۳ دانشجوی (۱۴۲ مرد، ۱۹۳ زن و ۸ نفر جنسیت خود را مشخص نکرده بودند) دوره کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۸ بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس منش‌های اخلاقی (خرمائی و قائمی، ۱۳۹۷)، پرسشنامه شرم و گناه (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱) و مقیاس پرخاشگری (باس و پری، ۱۹۹۲) را کامل کردند. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج روابط ساختاری نشان داد که منش‌های بخشش‌گرا و پارسایانه به گونه منفی پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند و منش وظیفه‌گرا به گونه مثبت پیش‌بینی کننده پرخاشگری است. براساس یافته‌ها منش‌های صداقت‌گرا، آداب‌گرا و وظیفه‌گرا به شکل مثبت احساس گناه را پیش‌بینی می‌کنند، منش آداب‌گرا نیز به شکل منفی احساس شرم را پیش‌بینی می‌کند و منش پارسایانه رابطه مثبتی با احساس شرم دارد. همچنین، احساس شرم به شکل مثبت و احساس گناه به شکل منفی پرخاشگری را پیش‌بینی کردند. علاوه بر این، نقش واسطه‌ای هیجانان شرم و گناه در رابطه بین منش‌های اخلاقی و پرخاشگری تأیید شد ($p < /0.5$).

نتیجه‌گیری: در مجموع، یافته‌ها نشان داد که منش‌های اخلاقی و هیجان گناه پرخاشگری را کاهش می‌دهند.

کلمات کلیدی: پرخاشگری، منش‌های اخلاقی، هیجانان شرم و گناه

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

* نویسنده مسئول: khormaei@shirazu.ac.ir

The Relationship between Moral Characters and Aggression among University Students: The Mediating Role of Shame and Guilt Emotions*

Shahla Dehghani¹
Farhad Kohrmaei^{2*}

Original Article

Abstract

Introduction: This study aimed to investigate the mediating role of shame and guilt emotions in the relationship between moral characters and aggression.

Method: The research method was descriptive and correlational. The participants of this study were 343 (142 males, 193 females and 8 people did not specify their gender) undergraduate students of Shiraz University in the academic year 1398 who were selected by multistage cluster sampling and completed the Moral Characters Scale (Khormaei and Ghaemi, 1397), the Shame and Guilt Proneness Questionnaire (Cohen et al, 2011) and the Aggression Scale (Bass and Perry, 1992). Data were analyzed using structural equation modeling.

Finding: The results of structural relationships showed that forgiving and pious characters predict aggression negatively and conscientiousness characters predicts aggression positively. According to the findings, honesty, etiquetee and conscientiousness characters predict feeling of guilt positively, etiquetee character predicts feeling of shame negatively and pious character has a negative relationship with the feeling of shame. Also, feeling of shame positively and feeling of guilt negatively predicted aggression. Moreover, the mediating role of shame and guilt emotions was confirmed in the relationship between moral characters and aggression ($P < 0/05$).

Conclusion: Overall, the findings showed that moral characters and the emotion of guilt reduce aggression.

Keywords: Aggression, Moral characters, Shame and guilt emotions.

* The article is derived from first author,s Master,s thesis.

1. M.A. in Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

2. Associate Professor, Department of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran

* Corresponding Author: khormaei@shirazu.ac.ir

مقدمه

در گذشته تکاملی، پرخاشگری^۱ رفتاری انطباقی برای اجداد ما بود که در گروه‌های کوچک زندگی می‌کردند و برای دفاع از فرزندان و به دست آوردن منابع از پرخاشگری استفاده می‌کردند. بنابراین پرخاشگرترین افراد کسانی بودند که به احتمال زیاد ژن‌های خود را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کردند، اما هنگامی که انسان اجتماعی تر شد پرخاشگری نسبت به دیگران در گروه اجتماعی که بقاء فرد به آن وابسته بود کمتر انطباقی بود و ژن‌های جامعه‌پسند رایج شدند و در دوران امروزی، پرخاشگری ناسازگار و مخرب به نظر می‌رسد و مشکلات بیشتری را نسبت به حل کردن آن‌ها ایجاد می‌کند (بوشمن^۲، ۲۰۱۸). در سرتاسر جهان یکی از متداول‌ترین رفتارهای ضداجتماعی به خصوص در بین افراد ۱۵ تا ۴۴ ساله، پرخاشگری است (مایلز، تارپ، استنفورد، شارپ، منفی و کنت^۳، ۲۰۱۵) که در دهه‌های اخیر افزایش یافته و به گونه مخربی بر تعاملات و روابط انسانی اثرگذار است (خانزاده، رشیدی، یگانه، زارعی‌منش و قنبری، ۱۳۹۲).

پرخاشگری با توجه به ابعاد و اشکال مختلف تعریف می‌شود که بسته به پدیده مورد مطالعه متفاوت است (رامیرز و اندرو^۴، ۲۰۰۶). پرخاشگری هر نوع رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به فرد دیگری انجام می‌شود و اینکه فرد تمایل دارد از این رفتار اجتناب کند (اندرسون و بوشمن^۵، ۲۰۰۲). در تعریفی دیگر، پرخاشگری به معنی واکنشی با هدف آسیب رساندن به جاندار دیگر است (باس، ۱۹۶۱؛ به نقل از کراهه ۲۰۰۶/۱۳۹۰). پرخاشگری با ترکیبی از سه مؤلفه مطرح شده است: ۱- پرخاشگری فیزیکی و کلامی که شامل صدمه زدن یا آسیب رساندن به دیگران می‌شود و نمایانگر مؤلفه ابزاری یا حرکتی رفتار است. ۲- خشم که شامل برانگیختگی فیزیولوژیک و آماده شدن برای پرخاشگری است و نشان‌دهنده مؤلفه هیجانی یا عاطفی رفتار است. ۳- خصومت که شامل احساس دشمنی و کینه‌ورزی نسبت به دیگران است و مؤلفه شناختی رفتار را نشان می‌دهد (باس و پری^۶، ۱۹۹۲).

مطالعات قبلی نشان داده‌اند که پرخاشگری می‌تواند اثرات مضر طولانی‌مدت بر رشد و ثبات اجتماعی افراد داشته باشد (هوانگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۷) و ممکن است آسیب مستقیم جسمی و با مشکلات روان‌شناختی و رفتاری را به دنبال داشته باشد (صیدی، صفاری‌نیا و احمدیان، ۱۳۹۸). پرخاشگری در حال حاضر یک نگرانی مهم برای جامعه است و پیامد مضر برای قربانیان و پرخاشگران به همراه دارد. قربانیان پرخاشگری با احتمال بیشتری از افسردگی، اضطراب، احساس تنهایی، حرمت خود پایین، استرس و مشکلات خواب رنج می‌برند و افرادی که رفتار پرخاشگرانه

1. aggression

2. Bushman

3. Miles, Tharp, Stanford, Sharp, Menefee, & Kent

4. Ramirez & Andreu

5. Anderson & Bushman

6. Buss & Pery

7. Huang

دارند با احتمال بالایی سوء‌مصرف مواد، مشارکت در فعالیت‌های بزهکاری، اختلال‌های شخصیت، عملکرد تحصیلی پایین، غیبت در مدرسه و مشکلات روابط شخصی را نشان می‌دهند (مگیاس، گومز-لیال، گوتیرز-کیو، کابلو و فرناندز-بروکال^۱، ۲۰۱۸؛ سعیدی، صبوری مقدم، هاشمی، ۱۳۹۹). بنابراین، بر اساس پژوهش‌های انجام شده و اهمیت پرخاشگری از این منظر که بر زندگی افراد و از جمله سلامت روانی، اجتماعی و فردی آن‌ها به شکل نامطلوبی اثرگذار است، شناسایی عوامل پیش‌بین پرخاشگری ضروری می‌نماید.

بسیاری از اعمال پرخاشگرانه، خطاهای اخلاقی هستند و به نوبه خود بسیاری از خطاهای اخلاقی شامل پرخاشگری فیزیکی یا کلامی است (آرسنیو و لیمیرس^۲، ۲۰۰۴). باتوجه به اهمیت اخلاق در روابط اجتماعی (کوهن و مورس^۳، ۲۰۱۴) و اخلاقی بودن برخی صفات شخصیتی مدل پنج‌عاملی مانند توافق‌پذیری و وظیفه‌گرایی و مدل هگزاکو مانند صداقت-فروتنی و وظیفه‌گرایی که با منش‌های اخلاقی مرتبط هستند (کیم و کوهن^۴، ۲۰۱۵) می‌توان گفت یکی از پیش‌بینندهای احتمالی پرخاشگری، منش‌های اخلاقی^۵ است.

کلونینجر، شوراکیک و پرزی‌بک^۶ (۱۹۹۳) منش را به صورت آنچه تعریف کرده‌اند که افراد به طور عمدی و براساس ارزش‌ها و اهداف، از خود می‌سازند. از نظر آنان رشد منش وابسته به تجربه است و تحت تأثیر فرهنگ و اجتماع قرار می‌گیرد. منش‌های اخلاقی به معنای آمادگی فرد برای تفکر، احساس و رفتار به صورت اخلاقی در برابر غیراخلاقی و یا مجموعه‌ای از تفاوت‌های فردی مرتبط با اخلاق مفهوم‌پردازی شده است (کوهن و مورس، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر منش‌های اخلاقی خصیصه‌هایی فرض می‌شوند که ارزش‌های دینی و فرهنگی بر روی آن‌ها بارگذاری شده است، به عبارتی دارنده این صفات در یک فرهنگ به عنوان فرد اخلاق‌گرا تلقی می‌شود. این ویژگی‌ها نسبتاً پایدار و سازمان‌یافته هستند و در تعامل با موقعیت سازوکارهای شناختی، هیجانی و رفتاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (خرمائی و قائمی، ۱۳۹۷). دسته‌بندی صفات منشی به این صورت است که صفات منشی صداقت‌گرا ارزش‌های درستکارانه مانند (عدم دروغ‌گویی و راست-گویی) را دربر می‌گیرد، صفات منشی آداب‌گرا ارزش‌های دگرخواهانه مبتنی بر مراقبت و احترام به دیگران (مانند خوش‌روئی، مهربانی، همدلی، تواضع و قدردانی) را شامل می‌شود، صفات منشی بخشش‌گرا شامل ارزش‌های دگرخواهانه مبتنی بر چشم‌پوشی از خطای دیگران (مانند اهل مدارا، بخشنده، انتقادپذیر و عیب‌پوش) است، صفات منشی وظیفه‌گرا ارزش‌های مبتنی بر انجام وظیفه و تعهدات فردی است (مانند مسئولیت‌پذیری، پابندی، وقت‌شناسی و نظم) و صفات منشی پارسایانه

1. Megias, Gomez-Leal, Gutierrez-Cobo, Cabello, & Fernández-Berrocal
2. Arsenio & Lemerise
3. Cohen & Morse
4. Kim & Cohen
5. moral characters
6. Cloninger, Svrakic, & Przybeck

صفات دین‌مدارانه (مانند مؤمن، متوکل، شاکر، مخلص، متقی و اهل عبادت) را شامل می‌شود (خرمائی و قائمی، ۱۳۹۷).

بر اساس نتایج پژوهش‌ها صفات شخصیتی که به عنوان صفات منشی و اخلاقی در نظر گرفته شده‌اند با پرخاشگری رابطه منفی دارند (سوکولوفسکا، دینیک و توماسویچ^۱، ۲۰۱۸؛ نایت، دالن، یوول و مادسون^۲، ۲۰۱۸؛ بارلت و آندرسون^۳، ۲۰۱۲؛ جونز، میلر و لینام^۴، ۲۰۱۱؛ گرام و کولانی^۵، ۲۰۰۹؛ بتن کورت، تالی، بنجامین و والتین^۶، ۲۰۰۶؛ ترمبلی و ایوارت^۷، ۲۰۰۵؛ گلیسون، کمپبل و ریچاردسون^۸، ۲۰۰۴؛ شکوفه‌فرد و خرمائی، ۱۳۹۱). علاوه بر این مطالعات پیشین نشان‌دهنده رابطه منفی بین بخشش و پرخاشگری است که در پژوهش حاضر بخشش از مؤلفه‌های منش‌های اخلاقی است (کوینتانا_اورتس، ری و ورتینگتون^۹، ۲۰۱۹؛ وب، دیولا و بریور^{۱۰}، ۲۰۱۲؛ واتسون، رپی و تودوروف^{۱۱}، ۲۰۱۵).

از آنجا که در تعریف منش‌های اخلاقی بر ارزش‌های فرهنگی تأکید شد، از جمله مهم‌ترین منابعی که ارزش‌های فرهنگ را شکل می‌دهد باورهای مذهبی است. بر اساس مطالعات صورت گرفته مذهب بخش مهمی از زندگی روان‌شناختی و اجتماعی بسیاری از افراد است و عوامل مذهبی می‌توانند تصمیمات کنار آمدن، رفتارهای سلامت، نگرش‌های اجتماعی و حالت‌های هیجانی را تحت تأثیر قرار دهند (اکسلاین^{۱۲}، ۲۰۰۲)، مذهب نقش مهمی در مهار پرخاشگری و خشونت داشته است (سیدنی آگور^{۱۳}، ۲۰۱۶؛ شیرد، میلر و اسمیت^{۱۴}، ۲۰۱۵؛ سالاس-رایت، وون و ماینارد^{۱۵}، ۲۰۱۳؛ لیچ، برمن و یوبانکز^{۱۶}، ۲۰۰۸). با توجه به اینکه صفات منشی بیش از صفات دیگر که منشاء و پیش‌آمدگی‌های زیستی دارند قابل آموزش و تغییر هستند، بررسی رابطه این صفات و پرخاشگری ضرورت دارند.

علاوه بر صفات منشی، مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهند که هیجان‌ات اخلاقی شرم^{۱۷} و گناه^{۱۸} از دیگر عواملی است که می‌توانند به گونه‌ای متفاوت پرخاشگری را پیش‌بینی کنند

1. Sokolovska, Dinic, & Tomasevic
2. Knight, Dahlen, Bullock-Yowell, & Madson
3. Barlett & Anderson
4. Jones, Miller, & Lynam
5. Grumm & von Collani
6. Bettencourt, Talley, & Benjamin
7. Tremblay & Ewart
8. Gleason, Campbell, & South Richardson
9. Quintana-Orts, Rey, & Worthington
10. Webb, Dula & Brewer
11. Watson, Rapee, & Todorov
12. Exline
13. Sydney-Agbor
14. Shepperd, Miller, & Smith
15. Salas-Wright, Vaughn, & Maynard
16. Leach, Berman, & Eubanks
17. shame
18. guilt

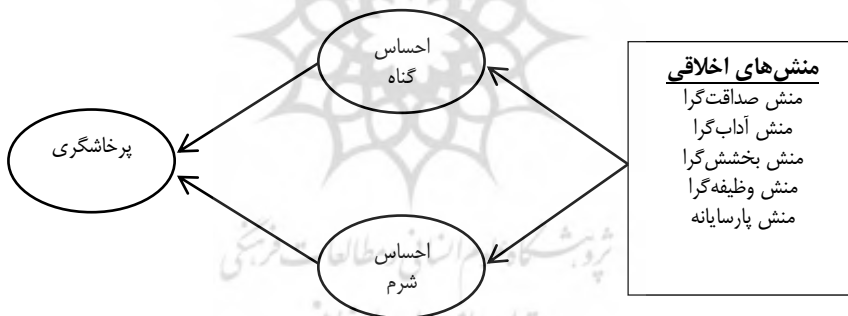
(تانگنی، واگنر، بارلو، مارشال و گرامزو^۱، ۱۹۹۶؛ تانگنی و دیرینگ^۲، ۲۰۰۲). هیجانات شرم و گناه در نتیجه یک خطا ظاهر می‌شوند و کارکرد مهمی در دو سطح فردی و ارتباطی دارند. همچنین این احساسات در طول زندگی تأثیر عمیق و مداومی بر رفتارهای بین‌فردی دارند. شرم و گناه هیجانات خودآگاه و اخلاقی هستند. این هیجانات به دلیل نقش محوری "خود" و "ارزشیابی"، خودآگاه تلقی می‌شوند و به دلیل نقش مهم در پرورش رفتار اخلاقی به عنوان هیجانات اخلاقی معرفی شده‌اند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در این بیان احساس شرم نیز یک هیجان دردناک و مخرب است. در شرم موضوع نگرانی "تمام خود^۳" است و "امر بد" به عنوان بازتابی از "خود بد" تجربه می‌شود و "تمام خود" به طرز دردناکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و ارزیابی منفی می‌شود که با احساس کوچک بودن، کوچک شدن و احساس بی‌ارزشی و ضعف و ناتوانی همراه است (تانگنی، واگنر و گرامزو^۴، ۱۹۹۲). برخلاف تمرکز بر خود دردناک شرم، احساس گناه بر یک "رفتار خاص^۵" متمرکز است که به صورت منفی ارزیابی می‌شود و جدا از "خود فرد" است. به عبارتی احساس گناه بر هویت یا خودپنداره شخص تأثیر نمی‌گذارد. در گناه حسی از تنش، پشیمانی و تأسف نسبت به کار بدی که انجام شده است، وجود دارد و این احساس تنش و پشیمانی اغلب عمل جبرانی، اعتراف، عذرخواهی یا به نوعی جبران خسارت وارد شده را برمی‌انگیزاند (تانگنی^۶، ۱۹۹۶). افراد مستعد شرم به احتمال زیاد دیگران و همچنین خود را برای رویدادهای منفی سرزنش می‌کنند و بیشتر مستعد خشم و خصومت هستند و به طور کلی کمتر توانایی همدلی با دیگران را دارند. از طرفی به نظر می‌رسد افراد مستعد گناه قادر به همدلی با دیگران و پذیرش مسئولیت‌پذیری برای رویداد منفی بین‌فردی هستند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). در حقیقت هیجان شرم با پاسخ‌های ناسازگارانه و هیجان گناه با پاسخ‌های سازگارانه همراه است (واتسون، گومز و گولون^۷، ۲۰۱۵).

با وجود دیدگاه سنتی مبنی بر اینکه این عواطف شرم و گناه یکسان هستند، تحقیقات اخیر نشان داده است که گناه و شرم احساساتی متمایز هستند که نتایج کارکردی مختلف را ایجاد می‌کنند (تریسی و روبینز^۸، ۲۰۰۶). احساس گناه با رفتارهای جامعه‌پسند و جبرانی همراه است درحالی‌که شرم با پنهان‌کاری و کناره‌گیری اجتماعی مرتبط است (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). علاوه بر این، شرم شامل ویژگی‌های درونی، پایدار، غیرقابل کنترل و کلی در مورد خود است، گناه شامل ویژگی‌های درونی، ناپایدار، کنترل‌پذیر و خاص در مورد خود است (تریسی و روبینز، ۲۰۰۶). ارتباط بین شرم و گناه و پرخاشگری در یافته‌های تجربی و نظری بسیاری مورد بررسی

1. Tangney, Wagner, Barlow, Marschall, & Gramzow
2. Tangney & Dearing
3. entire self
4. Tangney, Wagner, & Gramzow
5. Specific behavior
6. Tangney
7. Watson, Gomes, & Gullone
8. Tracy & Robins

قرار گرفته است و بین این دو هیجان و پرخاشگری رابطه وجود دارد (روس، هاگز و سالمیوالی^۱، ۲۰۱۴؛ استووویگ، تانگنی، هگل، هارتی و مک کلوزکی^۲، ۲۰۱۰؛ آسلاند، استارین، لپیرت و نلسون^۳، ۲۰۰۹؛ هون، سیروچی و لسون^۴، ۲۰۰۹؛ تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶؛ تانگنی، واگنر، فلچر و گرامزو^۵، ۱۹۹۲؛ پورشهریاری، ۱۳۸۸). با توجه به کارکردهای متفاوت هیجان شرم و گناه، بررسی رابطه این هیجانات و پرخاشگری ضرورت دارد. از طرفی دیگر، نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که صفات منشی نیز بر هیجانات شرم و گناه اثرگذار هستند (فانگ، دانگ و فانگ^۶، ۲۰۱۹؛ دالوپ، لی، آشتون، بوچر و دکستر^۷، ۲۰۱۵؛ آبراهام و پن^۸، ۲۰۱۶؛ اردن و آکبگ^۹، ۲۰۱۵؛ آبه^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ خرم‌روز، ملتفت و فیروزی، ۱۳۹۷؛ ربانی، بیگدلی و نجفی، ۱۳۹۴؛ جوکار و کمالی، ۱۳۹۴).

نوآوری پژوهش حاضر بررسی پرخاشگری از منظر اخلاقی است که در این میان نقش صفات منشی به عنوان متغیر برون‌زاد با واسطه‌گری هیجانات اخلاقی قابل توجه است که تاکنون پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است بیشتر به پیش‌آمدگی‌های سرشتی شخصیت توجه داشته‌اند و به صفات منشی که متأثر از فضای اجتماعی و فرهنگی خانواده و اجتماع است کمتر توجه شده است. با توجه به مطالب گفته شده مدل مفهومی این پژوهش در شکل (۱) آمده است و بر آن اساس فرضیه‌های پژوهش مطرح شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش حاضر

1. Roos, Hodges, & Salmivalli
2. Stuewig, Tangney, Heigel, Harty, & McCloskey
3. Aslund, Starrin, Leppert, & Nilsson
4. Heaven, Ciarrochi, & Leeson
5. Tangney, Wagner, Fletcher, & Gramzow
6. Fang, Dong, & Fang
7. Dunlop, Lee, Ashton, Butcher, & Dykstra
8. Abraham & Pan
9. Abraham & Pan
10. Abe

فرضیه اول: منش‌های اخلاقی پیش‌بینی کننده پرخاشگری در دانشجویان است.
فرضیه دوم: منش‌های اخلاقی پیش‌بینی کننده هیجانات شرم و گناه در دانشجویان است.
فرضیه سوم: هیجانات شرم و گناه پیش‌بینی کننده پرخاشگری در دانشجویان است.
فرضیه چهارم: هیجانات شرم و گناه نقش واسطه‌ای در رابطه بین منش‌های اخلاقی و پرخاشگری ایفا می‌کنند.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که در آن با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری روابط بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش منش‌های اخلاقی به عنوان متغیر برون‌زاد، پرخاشگری به عنوان متغیر درون‌زاد و احساس شرم و گناه متغیرهای واسطه‌ای مدل پژوهش هستند. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۳۴۳ نفر (۱۴۲ مرد، ۱۹۳ زن و ۸ نفر جنسیت خود را مشخص نکرده بودند) از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۸ بودند که با روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز، پنج دانشکده و از هر دانشکده سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید و دانشجویان این کلاس‌ها شرکت‌کنندگان در پژوهش بودند. ملاک انتخاب حجم نمونه بر اساس کالین^۱ (۲۰۱۶) بوده است. وی به ازای هر پارامتر تعداد ۱۰ تا ۲۰ نفر را پیشنهاد می‌کند که در هر صورت حجم نمونه نباید کمتر از ۲۰۰ نفر باشد. ملاک ورود مشارکت‌کنندگان در پژوهش دانشجوی دوره کارشناسی بود و ملاک خروج داشتن بیماری روان-شناختی، استفاده از دارو و یا پاسخ ناقص به ابزار پژوهش بوده است. برای جمع‌آوری داده‌ها، قبل از توزیع پرسشنامه‌ها توضیحاتی راجع به هدف پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات هر شخص، چگونگی پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها به دانشجویان ارائه شد. درنهایت اینکه تمام دانشجویان با رضایت و بدون محدودیت زمانی پرسشنامه‌ها را کامل کردند.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس منش‌های اخلاقی (خرمائی و قائمی، ۱۳۹۷): این ابزار بر اساس فرم بلند پرسشنامه منش‌های اخلاقی (خرمائی و قائمی، ۱۳۹۷) ساخته شده و شامل ۴۰ گویه است که بر اساس طیف لیکرت از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۵) نمره‌گذاری شده است. نتایج تحلیل عامل وجود ۸ عامل را در این پرسشنامه مورد تأیید قرار داد که تحت عناوین منش پارسایانه/انکارورزانه، منش آداب‌گرا/گستاخانه، منش وظیفه‌گرا/تساهل‌گرا، منش صداقت‌گرا/نیرنگ‌بازانه، منش تبعیت‌گرا/طغیان‌گرا، منش حساسیت‌گرا/بی‌تفاوت‌گرا، منش بخشش‌گرا/تقابل‌گرا و منش

استقلال‌گرا/ وابستگی‌گرا نام‌گذاری شده است. این عامل‌ها در مجموع ۵۱ درصد واریانس پرسشنامه را تبیین می‌نمایند. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۶۶، ۰/۷۲، ۰/۵۲ و ۰/۶۲ و پایایی کل پرسشنامه ۰/۷۶ محاسبه شده است. نتایج تحلیل عامل در پژوهش خرمائی و محمودنژاد (زیر چاپ) نیز وجود هشت عامل را در این پرسشنامه مورد تأیید قرار داد. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد منش پارسایانه/ انکارورزانه، منش آداب‌گرا/ گستاخانه، منش وظیفه-گرا/ تساهل‌گرا، منش صداقت‌گرا/ نیرنگ‌بازانه، منش تبعیت‌گرا/ طغیان‌گرا، منش حساسیت‌گرا/ بی‌تفاوت‌گرا، منش بخشش‌گرا/ تقابل‌گرا و منش استقلال‌گرا/ وابستگی‌گرا به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۴، ۰/۶۱، ۰/۷۲، ۰/۵۰، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد.

در پژوهش حاضر با توجه به پیشینه پژوهش از بین صفات منشی پنج صفت صداقت‌گرا، آداب‌گرا، بخشش‌گرا، وظیفه‌گرا و پارسایانه در قالب ۲۰ گویه مورد مطالعه قرار گرفت. حداقل نمره ۲۰ و حداکثر نمره ۱۰۰ است. روایی این مقیاس نیز با روش تحلیل عامل تأییدی بررسی شد. بر اساس نتایج تحلیل عامل تأییدی دو گویه ۴ و ۱۸ مؤلفه منش صداقت‌گرا و گویه ۱۹ مؤلفه منش آداب‌گرا به دلیل بار عاملی پایین حذف شدند. در ادامه ۳ گویه منش صداقت‌گرا با بار عاملی (۰/۳۸ تا ۰/۶۰)، ۳ گویه منش آداب‌گرا با بار عاملی (۰/۳۱ تا ۰/۷۷)، ۴ گویه منش بخشش‌گرا با بار عاملی (۰/۳۱ تا ۰/۶۸)، ۴ گویه منش وظیفه‌گرا با بار عاملی (۰/۴۱ تا ۰/۷۰) و ۳ گویه منش پارسایانه با بار عاملی (۰/۷۶ تا ۰/۹۱) بر روی مؤلفه‌های مرتبط بازگذاری شد. شاخص‌های برازش $GFI: ۰/۹۴$ ، $AGFI: ۰/۹۱$ ، $CFI: ۰/۹۳$ ، $TLI: ۰/۹۱$ ، $IFI: ۰/۹۳$ و $JFI: ۰/۰۵$ (RAMSEA) نیز نشان دهنده برازش مطلوب بودند. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ محاسبه شد.

ب) مقیاس آمادگی شرم و گناه (کوهن، وولف، پنتر و اینسکو، ۲۰۱۱): این مقیاس شامل ۱۶ گویه است که تفاوت‌های افراد را در میزان تجربه شرم و گناه در محدوده تخلف‌های شخصی اندازه‌گیری می‌کند. در این مقیاس در مورد موقعیت‌هایی که احتمال دارد افراد در زندگی روزمره با آن‌ها روبه‌رو شوند، سناریوهایی مطرح شده و به دنبال آن واکنش‌های متداول نسبت به آن موقعیت‌ها ارائه شده است و از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که خودشان را در آن موقعیت تصور کنند و میزان احتمال واکنش خود را بر اساس طیف لیکرت هفت ارزشی نشان دهند (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱). در پژوهش خود روایی کل مقیاس را به روش تحلیل عامل تأییدی و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ (۰/۶۰) محاسبه کردند و شاخص‌های برازش را مطلوب گزارش دادند. نتایج تحلیل عاملی سازندگان مقیاس نشان داد که احساس گناه شامل دو عامل فرعی ارزیابی رفتار منفی و پاسخ‌های جبرانی به دنبال تخلف‌های خصوصی است و احساس

شرم شامل دو عامل فرعی خودارزیابی منفی و پاسخ‌های کناره‌جویانه به دنبال تخلف‌هایی است که در معرض دید عموم قرار دارد. در این مقیاس ۸ گویه به شرم و ۸ گویه به هیجان گناه تعلق دارد و در سطح دوم، هر عامل فرعی با ۴ گویه سنجیده می‌شود.

جوکار و کمالی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با استفاده از روش تحلیل عاملی دو عامل احساس گناه و احساس شرم را استخراج کردند که به ترتیب ۱۲ گویه و ۴ گویه را شامل می‌شوند. در پژوهش جوکار و کمالی (۱۳۹۴) مقیاس هفت ارزشی به پنج ارزشی تبدیل شد که بر اساس طیف لیکرت از به ندرت (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره‌گذاری شده است. حداقل نمره ۱۶ و حداکثر آن ۸۰ است. و ضرایب آلفای ۰/۸۳ و ۰/۵۱ به ترتیب برای احساس گناه و احساس شرم به دست آمد.

در پژوهش حاضر برای بررسی روایی از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان داد که ۱۲ گویه احساس گناه بار عاملی (۰/۳۱ تا ۰/۶۵) و ۳ گویه احساس شرم بار عاملی (۰/۳۱ تا ۰/۶۶) را به خود اختصاص دادند. همچنین گویه ۱۲ به دلیلی بار عاملی پایین حذف شد. شاخص‌های برازش ($GFI: 0.94$, $AGFI: 0.92$, $CFI: 0.91$, $TLI: 0.93$, $IFI: 0.95$, $RAMSEA: 0.05$) نیز بیانگر برازش مطلوب بودند. پایایی مقیاس شرم و گناه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار ضریب به دست آمده برای احساس گناه و احساس شرم به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۴۸ بوده است.

ج) مقیاس پرخاشگری: این مقیاس توسط باس و پری (۱۹۹۲) جهت سنجش پرخاشگری تدوین شده است و ۲۹ گویه را شامل می‌شود. گویه‌ها مطابق با طیف لیکرت پنج ارزشی از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی می‌شوند و چهار مؤلفه پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت توسط این مقیاس اندازه‌گیری می‌شوند. حداقل نمره ۲۹ و حداکثر نمره ۱۴۵ است. گویه‌های ۲۴ و ۲۹ که به ترتیب به مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی و خشم تعلق دارند به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. باس و پری (۱۹۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که این ابزار از پایایی مطلوبی برخوردار است. همسانی درونی چهار مؤلفه پرخاشگری و نمره کل با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۵، پرخاشگری کلامی ۰/۷۲، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۷۷ و برای نمره کل پرسشنامه ۰/۸۹ بود. همچنین ضریب بازآزمایی برای چهار مؤلفه این ابزار با فاصله ۹ هفته ارزیابی شد و ضرایب ۰/۷۲ تا ۰/۸۰ به آن‌ها تعلق گرفت و همبستگی چهار مؤلفه با یکدیگر ۰/۲۵ تا ۰/۴۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده روایی مطلوب این ابزار بوده است. محمدی (۱۳۸۵) این ابزار را جهت تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی به فارسی برگرداند. در ادامه با استفاده از روش‌های بازآزمایی، تصنیف و آلفای کرونباخ، پایایی مقیاس پرخاشگری را محاسبه کرد که به ترتیب ضرایب ۰/۷۸، ۰/۷۳ و ۰/۸۹ را به دست آورد. جهت بررسی روایی نیز از سه روش تحلیل عاملی، روایی همزمان و روایی واگرا استفاده کرد و یافته‌های به دست آمده وجود چهار مؤلفه را

تأیید کرد. در پژوهش حاضر برای بررسی روایی از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. با توجه به نتایج تحلیل عامل تأییدی گویه‌های ۲ و ۱۰ مؤلفه پرخاشگری کلامی به دلیل بار عاملی پایین حذف شدند. در ادامه ۹ گویه مؤلفه پرخاشگری فیزیکی با بار عاملی (۰/۳۲ تا ۰/۶۶)، ۳ گویه مؤلفه پرخاشگری کلامی با بار عاملی (۰/۳۴ تا ۰/۶۸)، ۷ گویه مؤلفه خشم با بار عاملی (۰/۴۰ تا ۰/۶۶) و ۸ گویه مؤلفه خصومت با بار عاملی (۰/۳۱ تا ۰/۷۵) بارگذاری شد. شاخص‌های برازش: ($GFI: ۰/۹۰$, $CFI: ۰/۹۲$, $TLI: ۰/۹۰$, $JFI: ۰/۹۲$, $RAMSEA: ۰/۰۴$) نیز نشان‌دهنده برازش مطلوب بودند. پایایی پرسشنامه پرخاشگری با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار ضریب به دست آمده برای مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۵۰، ۰/۷۳ و ۰/۷۲ است و ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۸ به دست آمد.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی متغیرها شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، حداقل نمره و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
۱- منش صداقت‌گرا	۱۰/۱۹	۲/۱۱	۴	۱۵
۲- منش آداب‌گرا	۱۱/۶۲	۱/۸۰	۵	۱۵
۳- منش بخشش‌گرا	۱۳/۸۸	۲/۴۰	۷	۲۰
۴- منش وظیفه‌گرا	۱۵/۵۹	۲/۵۵	۸	۲۰
۵- منش پارسایانه	۱۱/۷۱	۲/۶۸	۳	۱۵
۶- هیجان شرم	۷/۴۲	۲/۴۹	۳	۱۵
۷- هیجان گناه	۴۹/۲۲	۶/۷۰	۲۶	۶۰
۸- فیزیکی	۲۰/۲۸	۵/۸۶	۹	۴۰
۹- کلامی	۶/۷۱	۲/۰۸	۳	۱۴
۱۰- خشم	۱۸/۵۶	۴/۷۵	۸	۳۰
۱۱- خصومت	۲۱/۴۱	۴/۹۹	۹	۳۷
۱۲- پرخاشگری کل	۶۶/۹۵	۱۴/۱۸	۳۷	۱۱۵

به منظور ارائه تصویر روشنی از رابطه میان متغیرهای پژوهش همبستگی بین آن‌ها محاسبه شد که در جدول ۲ آورده شده است. همانطور که ماتریس همبستگی نشان می‌دهد اکثر این

ضرایب معنادار هستند و به همین دلیل مدل فرضی پژوهش حاضر با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱- منش صداقت- گرا											
۲- منش آداب‌گرا	۰/۲۶**										
۳- منش بخشش- گرا	۰/۲۶**	۰/۴۱**									
۴- منش وظیفه‌گرا	۰/۳۱**	۰/۴۸**	۰/۲۹**								
۵- منش پارسایانه	۰/۲۲**	۰/۳۴**	۰/۱۸**	۰/۴۰**							
۶- هیجان شرم	۰/۰۱	-۰/۰۶	-۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۱۸**						
۷- هیجان گناه	۰/۲۷**	۰/۲۹**	۰/۱۰	۰/۲۷**	-۰/۱۱**						
۸- فیزیکی	-۰/۱۱*	-۰/۱۶**	-۰/۲۴**	-۰/۰۶	-۰/۱۰	۰/۲۴**	-۰/۲۶**				
۹- کلامی	-۰/۰۹	-۰/۱۸**	-۰/۲۲**	-۰/۰۵	-۰/۱۴**	۰/۱۰	-۰/۲۲**	۰/۵۱**			
۱۰- خشم	-۰/۱۱*	-۰/۲۲**	-۰/۴۲**	-۰/۰۴	-۰/۰۶	-۰/۱۸**	-۰/۰۵	-۰/۵۵**	۰/۴۶**		
۱۱- خصومت	-۰/۰۹	-۰/۱۲*	-۰/۲۸**	-۰/۰۵	-۰/۱۱*	-۰/۲۲**	-۰/۱۲*	-۰/۴۴**	-۰/۴۶**	۰/۵۹**	

** $P < ۰/۰۱$

* $P < ۰/۰۵$

در ادامه نتایج حاصل از محاسبات انجام شده برای کلیه مسیرهای مستقیم در جدول شماره ۳ ارائه شده است که نشان می‌دهد منش بخشش‌گرا ($\beta = -۰/۴۰$ $p < ۰/۰۰۱$) و منش پارسایانه ($\beta = -۰/۱۷$ $p < ۰/۰۰۶$) به طور منفی و معنی‌دار پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین منش وظیفه‌گرا ($\beta = ۰/۱۷$ $p < ۰/۰۰۳$) به طور مثبت و معنی‌داری پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بر اساس نتایج به دست آمده منش صداقت‌گرا ($\beta = ۰/۲۴$ $p < ۰/۰۰۱$)، منش آداب‌گرا ($\beta = ۰/۱۶$ $p < ۰/۰۱۶$) و منش وظیفه‌گرا ($\beta = ۰/۰۴۸$ $p < ۰/۰۱۳$) به طور مثبت و معنی‌داری احساس گناه را پیش‌بینی می‌کنند. علاوه بر این منش آداب-گرا به صورت منفی ($\beta = -۰/۱۹$ $p < ۰/۰۱۶$) و منش پارسایانه به صورت مثبت و معنی‌داری

($\beta = 0/32$ $p < 0/001$) احساس شرم را پیش‌بینی می‌کنند. در ادامه مطابق با تحلیل‌های صورت گرفته احساس شرم به نحو مثبت و معنی‌داری ($\beta = 0/35$ $p < 0/001$) و احساس گناه به نحو منفی و معنی‌داری پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند ($\beta = -0/24$ $p < 0/001$).

در کنار گزارش ضرایب اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش نیز نشان داده شده است. با نگاهی به جدول ۳ مشاهده می‌شود که اثر غیرمستقیم متغیر منش صداقت‌گرا ($\beta = -0/06$ $p < 0/001$) و منش وظیفه‌گرا ($\beta = -0/03$ $p < 0/02$) به واسطه احساس گناه بر پرخاشگری منفی و معنی‌دار است. همچنین منش آداب‌گرا ($\beta = -0/10$ $p < 0/003$) به واسطه احساس شرم و احساس گناه بر پرخاشگری اثر غیرمستقیم منفی و معنی‌داری دارد. اثر غیرمستقیم منش پارسایانه نیز ($\beta = 0/11$ $p < 0/001$) به واسطه احساس شرم بر پرخاشگری مثبت و معنی‌دار به دست آمد.

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مدل پژوهش

مسیرها	برآوردها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
به پرخاشگری از:	منش صداقت‌گرا	-0/06**	-0/06***
	منش آداب‌گرا	-0/10**	0/10**
	منش بخشش‌گرا	-0/40**	-0/40**
	منش وظیفه‌گرا	0/17*	-0/03*	0/14*
	منش پارسایانه	-0/17**	0/11**	-0/06
	احساس شرم	0/35**	0/35**
به احساس شرم از:	احساس گناه	0/24**	-0/24**
	منش آداب‌گرا	-0/19**	-0/19*
	منش پارسایانه	0/32**	0/32**
به احساس گناه از:	منش صداقت‌گرا	0/24**	0/24**
	منش آداب‌گرا	0/16**	0/16*
	منش وظیفه‌گرا	0/13*	0/13*
		$P < 0/001$		$P < 0/05$

در ادامه شاخص‌های برازش مدل در جدول ۴ آورده شده است. ارزیابی شاخص‌ها نشان می‌دهد که مقادیر به دست آمده در سطح قابل قبولی قرار دارند و مدل دارای برازش مطلوب است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	X2/DF	GFI	AGFI	GFI	TLI	IFI	RMSEA	PCLOSE
مقدار	1/56	0/93	0/90	0/94	0/92	0/94	0/04	0/97
مقادیر قابل قبول	< 3	0/90	> 0/90	0/90	0/90	0/90	< 0/08	> 0/05
قبول		>		>	>	>		

۲۰۱۸؛ بارلت و اندرسون، ۲۰۱۲؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۱؛ گرام و کولانی، ۲۰۰۹؛ بتن‌کورت و همکاران، ۲۰۰۶). در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد وظیفه‌گرا از سطح آرزوی بالایی برخوردار هستند، آن‌ها در هر کاری که انجام می‌دهند تلاش می‌کنند که به برتری برسند و عملکرد عالی داشته باشند و این نشانگر ویژگی کمال‌گرایی است که خود یکی از رویه‌های وظیفه‌گرایی است و می‌توان گفت برخوردار از ویژگی کمال‌گرایی سبب پرخاشگری چنین افرادی می‌شود (کاستا و مک‌کری، ۲۰۰۸). همانطور که پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته و یافته‌ها حاکی از آن بود که کمال‌گرایی ناسازگار (یعنی ناهمخوانی که به صورت تفاوت بین استانداردهایی که فرد برای خودش در نظر می‌گیرد و عملکرد واقعی او تعریف شده است) خشم، خصومت و رفتارهای پرخاشگرانه را در پی دارد (چستر، مروین و دی‌وال، ۲، ۲۰۱۴؛ اونگن، ۳، ۲۰۰۹). علاوه بر این می‌توان گفت که افراد وظیفه‌گرا به جهت دقت در کار رک بوده و صحبت‌ها را بی‌پرده بیان می‌کنند و این جدیت در مقیاس پرخاشگری به صورت رک‌گویی کلامی و خصومت دیده می‌شود.

در ادامه فرضیه اول، نتایج نشان داد که بین منش بخشش‌گرا و پرخاشگری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات پیشین (کوینتانا و همکاران، ۲۰۱۹؛ واتسون و همکاران، ۲۰۱۵؛ وب و همکاران، ۲۰۱۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اینگونه استدلال کرد که بخشش در دو سطح درون‌فردی و بین‌فردی برای افراد سودمند است (ریک و مانیا، ۲۰۱۲). از این جهت که بخشش در سطح درون‌فردی سبب افزایش سلامت جسمی و روانی می‌شود. افراد افسردگی، اضطراب، فشارخون و هیجانات منفی کمتری مانند خشم و خصومت را تجربه می‌کنند و از کیفیت خواب بهتری برخوردار هستند (توساینت، ورتینگتون و ویلیامز، ۲۰۱۵؛ ریک و مانیا، ۲۰۱۲). همچنین بخشش با بهزیستی روان‌شناختی، احساسات مثبت، خوشبینی و رضایت از زندگی رابطه مثبت دارد (توساینت و همکاران، ۲۰۱۵). در سطح بین-فردی، بخشش با مهار پرخاشگری همراه است (کوینتانا و همکاران، ۲۰۱۹) و منجر به مصالحه، حمایت اجتماعی بالاتر، مهارت‌های اجتماعی و انگیزه انتقام کمتر می‌شود (توساینت و همکاران، ۲۰۱۵) و افراد با ویژگی بخشش در طولانی‌مدت رابطه رضایت‌بخش و ثبات در دوستی را ارتقا می‌بخشند (وان در وال، کارمان و سیلسن، ۶، ۲۰۱۷). در واقع پژوهشگران معتقدند که برای مقابله با قلدری و زورگویی و زمانی که افراد مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، برای مدیریت احساسات منفی و واکنش استرس، بخشش بسیار مهم است و می‌تواند منجر به رشد منش شود به این دلیل که

1. Costa & McCrae
2. Chester, Merwin, & DeWall
3. Ongen
4. Riek & Mania
5. Toussaint, Worthington, & Williams
6. van der Wal, Karremans, & Cillessen

افراد احساسات خود را بهتر تنظیم می‌کنند (ایگان و تودورف^۱، ۲۰۰۹؛ ویتولیت، لودویگ و لان^۲، ۲۰۰۱)

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که منش پارسایانه به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های منش-های اخلاقی به گونه منفی و معنی‌داری پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند که این یافته در راستای نتایجی است که در مطالعات متعددی (سیدنی‌آگور، ۲۰۱۶؛ شپرد و همکاران، ۲۰۱۵؛ سالاس-رایت و همکاران، ۲۰۱۳؛ لیچ و همکاران، ۲۰۰۸؛ ربانی و همکاران، ۱۳۹۴) به دست آمده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری برای کنار آمدن، رفتارهای سلامت، نگرش‌های اجتماعی و حالت‌های هیجانی فرد بسیار تأثیرگذار هستند (اکسلاین، ۲۰۰۲). همچنین مذهب مهربانی، شفقت، مراقبت و بخشش را تشویق می‌کند و نقش مهمی در مهار پرخاشگری و خشونت دارد، افراد دین‌دار پرخاشگری کمتری را از خود نشان می‌دهند (شپرد و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع، دین‌داری به عنوان محافظتی در برابر خشونت عمل می‌کند و حضور در مراسم مذهبی، باورهای مذهبی و مشارکت در گروه‌های مذهبی به کاهش خشونت کمک می‌کند (سالاس-رایت و همکاران، ۲۰۱۳).

در مورد دومین فرضیه پژوهش مبنی بر پیش‌بینی مستقیم هیجان‌ات شرم و گناه بر اساس منش‌های اخلاقی (صداقت‌گرا، آداب‌گرا، بخشش‌گرا، وظیفه‌گرا و پارسایانه) نتایج نشان داد که منش‌های اخلاقی صداقت‌گرا و آداب‌گرا به طور مثبت و معنی‌داری احساس گناه را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته در راستای نتایج مطالعات پیشین بود که نشان دادند بین صفات توافق‌پذیری و صداقت-فروتنی و احساس گناه رابطه مثبتی وجود دارد (فانگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ دالوپ و همکاران، ۲۰۱۵؛ اردن و آکبگ، ۲۰۱۵). در واقع منش صداقت‌گرا ویژگی صادق‌بودن و منش آداب‌گرا ارزش‌هایی مبتنی بر مراقبت و احترام به دیگران، خوش‌روئی، مهربانی، همدلی، تواضع و قدردانی را دارا هستند و صفات توافق‌پذیری مدل پنج‌عاملی شخصیت و صداقت-فروتنی مدل هگزاکو ویژگی‌های ذکر شده را نیز دربرمی‌گیرند. همانطور که قبلاً ذکر شد این صفات، اخلاقی هستند و به منش‌های صداقت‌گرا و آداب‌گرا مرتبط هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که صداقت و فروتنی بالایی دارند زمانی که هنجارهای شخصی و اجتماعی را نقض می‌کنند بیشتر احساس گناه را تجربه می‌کنند و این نشان می‌دهد که افراد با صداقت-فروتنی بالا، هنجارهای اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را درونی می‌کنند که رفتارهای آن‌ها را هدایت می‌کنند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۹). از طرفی افراد توافق‌پذیر به دلیل درک کردن دیگران، ارزیابی وقایع از دیدگاه آن‌ها و همدلی داشتن، احساس گناه را تجربه می‌کنند (اردن و آکبگ، ۲۰۱۵). در حقیقت افرادی که شخصیت سازگاری دارند تمایل دارند که هیجان‌اتی مانند احساس گناه و همدلی را تجربه کنند که باعث می‌شود به دیگران و کارهایی که انجام می‌دهند و اینکه به آن‌ها کمک

1. Egan & Todorov

2. Witvliet, Ludwig, & Laan

می‌کنند یا صدمه می‌زنند، توجه کنند (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱). بر این اساس می‌توان گفت که برخورداری از منش صداقت‌گرا و آداب‌گرا سبب تمایل فرد به تجربه احساس گناه می‌شود. طبق یافته‌های پژوهش حاضر منش آداب‌گرا به گونه منفی و معنی‌داری احساس شرم را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش اردن و آکبگ (۲۰۱۵) که نشان دادند توافق‌پذیری با شرم رابطه مثبتی دارد، ناهمسو است اما با نتایج پژوهش آبه (۲۰۰۴) که رابطه منفی را بین توافق‌پذیری و احساس شرم به دست آوردند، همسویی دارد. این یافته را می‌توان اینگونه تبیین کرد که منش آداب‌گرا ارزش‌های دگرخواهانه را دربرمی‌گیرد که مبتنی بر مراقبت و احترام به دیگران است و از صفاتی مانند خوش‌روئی، مهربانی، همدلی، تواضع و قدردانی برخوردار است. افرادی که از صفت فروتنی برخوردار هستند هنگامی که مرتکب خطای بین‌فردی می‌شوند تمایل دارند که معذرت‌خواهی کنند و از آن‌جا که تمایل به عذرخواهی کردن با هیجان شرم رابطه منفی دارد (دالوپ و همکاران، ۲۰۱۵) می‌توان گفت افرادی که از منش آداب‌گرا برخوردار هستند احساس شرم کمتری را تجربه می‌کنند.

در ادامه فرضیه دوم، یافته‌ها نشان داد که منش وظیفه‌گرا به شکل مثبت و معنی‌داری با هیجان گناه رابطه دارد. این یافته با نتایج مطالعات (آبراهم و پن، ۲۰۱۶؛ دالوپ و همکاران، ۲۰۱۵؛ اردن و آکبگ، ۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اینگونه استدلال کرد که مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های وظیفه‌گرایی است که نشان‌دهنده تمایل فرد به دنبال کردن قوانینی است که باعث می‌شود گروه‌های اجتماعی به صورت یکنواخت عمل کنند و علاوه بر این مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های احساس گناه نیز است. بنابراین فرد وظیفه‌شناس چون مسئولیت‌پذیر است، احساس گناه می‌کند (آبراهم و پن، ۲۰۱۶).

همچنین منش پارسایانه به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های منش‌های اخلاقی به شکل مثبت و معنی‌داری با هیجان شرم رابطه دارد. این نتیجه با بعضی از پژوهش‌های پیشین همسو (خرم‌روز و همکاران، ۱۳۹۷) و با بعضی از پژوهش‌ها ناهمسو است (ربانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ جوکار و کمالی، ۱۳۹۴). یافته‌های مطالعات پیشین در مورد رابطه مذهب و احساس شرم متناقض بوده است. رابطه مثبت، منفی و عدم رابطه بین این دو متغیر از نتایجی است که در پژوهش‌ها به دست آمده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که مؤمن، متوکل، شاکر، مخلص و اهل عبادت هستند زمانی که کار اشتباهی انجام می‌دهند احساس شرم می‌کنند. هیجان شرم یک تجربه بسیار دردناک است که شامل ارزیابی منفی از "کل خود" است که عزت نفس پایین را به همراه دارد و تهدیدی برای احساس خودارزشی و خودکارآمدی فرد است (تانگنی و همکاران، ۱۹۹۲). به طور کلی پژوهش‌ها نشان دادند که پیروان مذهب‌های مختلف،

هیجانات متفاوتی را تجربه می‌کنند و مذهب بر تجربه نوع هیجانات تأثیرگذار است (کیم پریئو و داینر^۱، ۲۰۰۹).

در مورد سومین فرضیه پژوهش مبنی بر پیش‌بینی مستقیم پرخاشگری توسط هیجانات شرم و گناه نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که احساس شرم به طور مثبت و معنی‌داری پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند و احساس گناه با پرخاشگری رابطه منفی و معنی‌داری دارد. این یافته با نتایج مطالعات (روس و همکاران، ۲۰۱۴؛ استویگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ آسلاند و همکاران، ۲۰۰۹؛ هون و همکاران، ۲۰۰۹؛ تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶؛ تانگنی و همکاران، ۱۹۹۲؛ پورشهریاری، ۱۳۸۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت زمانی که فرد به گونه‌ای رفتار می‌کند که از نظر اخلاقی یا اجتماعی قابل قبول نیست، هیجان خودآگاه شرم یا گناه را تجربه می‌کند. فردی که در نتیجه رفتار منفی خود احساس شرم می‌کند "تمام خود" را به صورت منفی ارزیابی می‌کند. در واقع فرد رفتار منفی و عدم موفقیت خود را به صورت یک نقص کلی و پایدار از خود در نظر می‌گیرد و در ادامه احساس کوچک‌شدن و کوچک بودن را برای شخص به همراه دارد (تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶). افراد به هنگام تجربه شرم به شدت احساس تحقیرشدن می‌کنند که باعث دفاع از خود جریحه‌دار شده، خشم و پرخاشگری می‌شود (لوئیس^۲، ۱۹۷۱). همچنین، فرد احساس بی‌ارزشی، پست‌بودن، ضعیف بودن و نقص می‌کند و همین موجب می‌شود که فرد خشمگین شود، دیگران را سرزنش کند و برای رسیدن به حس عاملیت و کنترل، پرخاشگری کند (استویگ و همکاران، ۲۰۱۰). اما فردی که در نتیجه انجام رفتار منفی و یا شکست خوردن احساس گناه را تجربه می‌کند به جای اینکه "تمام خود" را به صورت منفی ارزیابی کند و احساس بدی نسبت به "خود" پیدا کند، "رفتار یا شکست خود" را به گونه منفی ارزیابی می‌کند. فرد به دنبال عملکرد بدی که داشته است احساس تنش، پشیمانی و تأسف می‌کند و همین باعث می‌شود که فرد درصدد اقدامات جایگزین مانند اعتراف، معذرت‌خواهی یا انجام اصلاحات و جبران آسیب‌هایی برآید که انجام داده است (تانگنی و همکاران، ۱۹۹۲). همچنین می‌توان گفت افرادی که احساس گناه می‌کنند اسنادهای درونی، ناپایدار و خاص درباره کارهای خود دارند که به احساسات منفی در مورد رفتارهای خاصی که شخص مرتکب شده است، منجر می‌شود. اما افرادی که احساس شرم می‌کنند اسنادهای درونی، پایدار و کلی در مورد "خود" دارند که به احساسات منفی در مورد "خود کلی" منجر می‌شود (تریسی و روبینز، ۲۰۰۴). علاوه بر این احساس گناه به تسهیل همدلی دیگرمدار کمک می‌کند که نقش مهمی در پاسخ دادن فرد به خشم دارد. همدلی نسبت به دیگران به افرادی که احساس گناه می‌کنند، کمک می‌کند که مجدد موقعیت ایجادکننده خشم را ارزیابی کنند و باعث می‌شود که فرد واکنش‌های خشم و پرخاشگری کمتری از خود نشان دهد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲).

1. Kim-Prieto, & Diener

2. Lewis

تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶). برعکس، احساس شرم، توانایی افراد را در برقراری ارتباط همدلانه با دیگران مختل می‌کند (تانگنی، استویگ و ماسک^۱، ۲۰۰۷). در مجموع می‌توان گفت که احساس گناه در خدمت بسیاری از کارکردهای سازگار، مفید و جامعه‌پسند است و به نظر می‌رسد که گناه به تقویت و حفظ روابط نزدیک کمک می‌کند (لیت و بامیستر^۲، ۱۹۹۸). همچنین، احساس گناه در انگیزه دادن به مردم برای انتخاب مسیرهای اخلاقی در زندگی مؤثر است. ظرفیت گناه برای تقویت الگوی مادام‌العمر رفتار اخلاقی، انگیزه بیشتر افراد برای مسئولیت‌پذیری و انجام اقدامات جبرانی در اثر شکست یا تخلف، مناسب است. در مقابل، طبق تحقیقات، شرم منجر به انواع رفتار پرخطر یا مشکل‌آفرین می‌شود (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷).

فرضیه چهارم پژوهش حاضر اینگونه مطرح شد که هیجانات شرم و گناه در رابطه بین منش‌های اخلاقی و پرخاشگری نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کنند. این فرضیه تأیید شد و یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند که منش‌های اخلاقی می‌توانند از طریق احساس شرم و گناه پرخاشگری را پیش‌بینی کنند. به این صورت که دو بعد منش اخلاقی یعنی منش‌های صداقت‌گرا و آداب‌گرا به صورت غیرمستقیم پرخاشگری را پیش‌بینی کردند. در واقع منش صداقت‌گرا با افزایش احساس گناه و منش آداب‌گرا با افزایش احساس گناه و کاهش احساس شرم موجب کاهش پرخاشگری می‌شوند. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که صداقت‌فروتنی بالایی دارند هنجارهای مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی را درونی می‌کنند و هنگامی که یک هنجار اجتماعی را نقض کنند احساس گناه می‌کنند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۹). در ادامه احساس گناه موجب پذیرش مسئولیت می‌شود و فرد تمایلی به سرزنش دیگران برای رویداد بین‌فردی منفی ندارد. از آنجا که گناه شامل ارزیابی منفی رفتارهایی است که تا حدودی جدا از "کل خود" است، تجربه گناه کمتر تهدیدآمیز است و بنابراین احتمال کمتری دارد که فرد از سرزنش کردن دیگران و خشم نسبت به آن‌ها استفاده کند (تانگنی و همکاران، ۱۹۹۲). علاوه بر این مطالعات قبلی نشان داده است که رابطه مثبتی بین گناه و همدلی وجود دارد. بنابراین در آسیب‌های بین‌فردی، پاسخ فردی که احساس گناه می‌کند با همدلی و نگرانی بین‌فردی که در او وجود دارد تعدیل می‌شود و از پرخاشگری پیشگیری می‌کند (تانگنی، ۱۹۹۱). به طور خلاصه، افرادی که از منش صداقت‌گرا و آداب‌گرا برخوردار هستند تمایل دارند احساس گناه کنند و احساس شرم کمتری را تجربه کنند و برای رهایی از احساسات منفی از راهبردهای سازنده‌ای مانند عذرخواهی و جبران استفاده می‌کنند. در نتیجه پرخاشگری کمتری از خود نشان می‌دهند. در ادامه، یافته‌ها حاکی از آن بود که منش وظیفه‌گرا با افزایش احساس گناه موجب کاهش پرخاشگری می‌شود. نتیجه به دست آمده را می‌توان اینگونه تبیین کرد که یکی از رویه‌های وظیفه‌گرایی مسئولیت‌پذیری است و نمایانگر تمایل افراد به دنبال کردن قوانینی است که

باعث می‌شود گروه‌های اجتماعی به صورت یکنواخت عمل کنند. همچنین مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های احساس گناه است (آبراهام و پن، ۲۰۱۶). یکی دیگر از ویژگی‌های افراد وظیفه‌گرا این است اگر خطایی انجام دهند به عذرخواهی کردن تمایل دارند که یکی از اقدامات سازنده و مرتبط با احساس گناه است (دالوپ و همکاران، ۲۰۱۵). از طرفی، به نظر می‌رسد احساس گناه هیجان سازگارانه‌تری است که به شیوه‌های مختلف برای افراد و روابط آن‌ها سودمند است (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۷). به طور کلی، افرادی که از منش وظیفه‌گرا و به ویژه از مسئولیت‌پذیری برخوردار هستند از طریق احساس گناه و در نظر گرفتن "رفتار خود" و تأثیری که بر دیگران می‌گذارند، پرخاشگری کمتری از خود نشان می‌دهند.

بر اساس نتایج، منش پارسایانه به عنوان یکی دیگر از منش‌های اخلاقی به واسطه هیجان شرم با پرخاشگری رابطه دارد. اگرچه منش پارسایانه به صورت مستقیم پرخاشگری را کاهش می‌دهد اما بر اساس یافته‌ها افرادی که از منش پارسایانه برخوردار هستند زمانی که احساس شرم می‌کنند از خود پرخاشگری نشان می‌دهند. همانطور که قبلاً مطرح شد رابطه بین مذهب و احساس شرم متناقض بوده است (خرم‌روز و همکاران، ۱۳۹۷؛ ربانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ جوکار و کمالی، ۱۳۹۴) و به نظر می‌رسد که همچنان این رابطه نیازمند انجام پژوهش‌های بیشتری است. نتایج مطالعه‌ای از نقش مذهب به عنوان منبع تغییر در تجربه هیجانات حمایت می‌کند و اینکه مذهب، به خودی خود، خواه مسیحیت، بودائیسیم یا مذهب دیگری، در تجربه هیجانات خوشایند و ناخوشایند توسط پیروان آن مذاهب نقش دارد (کیم پریو و داینر، ۲۰۰۹). در نتیجه با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر افراد با برخورداری از منش پارسایانه زمانی که کار اشتباهی انجام می‌دهند احساس شرم می‌کنند. افرادی که آمادگی شرم دارند، از خود همدلی نشان نمی‌دهند به این معنا که احساس شرم به طور منفی با توانایی همدلی کردن همراه بوده است و شواهد نظری، بالینی و تجربی نشان می‌دهد که شرم ممکن است نه تنها منجر به رفتار اجتنابی شود بلکه باعث دفاع، خشم انتقام‌جویانه و سرزنش کردن دیگران می‌شود (تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶).

در نهایت، یافته‌های این پژوهش به لحاظ نظری دانش و اطلاعات را در زمینه شناسایی پیشایندهای پرخاشگری گسترش می‌دهند که می‌توانند مورد توجه واقع شوند. در مورد کاربرد عملی، با توجه به اینکه منش‌ها قابل آموزش هستند پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت آموزش صفات منشی به ویژه منش بخشش‌گرا را در برنامه‌های خود مورد توجه قرار دهند و به آموزش هیجان سازگارانه گناه در دانشجویان بپردازند به این دلیل که احساس گناه می‌تواند آثار سازنده اخلاقی و رفتاری برای آن‌ها داشته باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش منش‌ها و هیجانات شرم و گناه بر رفتارهای جامعه‌پسند بررسی شود. همچنین می‌توان به آموزش منش‌ها و تأثیر آن‌ها بر کاهش پرخاشگری پرداخت. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بوده است. اول اینکه این پژوهش

از نوع همبستگی است، بنابراین باید در استنباط علی از نتایج پژوهش احتیاط کرد. دوم اینکه این پژوهش فقط دانشجویان دوره کارشناسی را دربرمی‌گیرد در نتیجه باید در تعمیم‌دادن یافته‌های پژوهش به گروه‌های سنی و دوره‌های تحصیلی دیگر احتیاط کرد.

منابع

- پورشهریاری، مه‌سیما. (۱۳۸۸). بررسی رابطه شرم با ابعاد خشم و مقایسه آن در دانشجویان دانشگاه تهران. مطالعات روان‌شناختی، ۵(۳)، ۴۶-۲۸.
- جوکار، بهرام و کمالی، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۵(۱)، ۲۱-۴.
- حسین‌خانزاده، عباسعلی، رشیدی، نورالدین، یگانه، طیبه، زارعی‌منش، قاسم و قنبری، نیکزاد. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان اضطراب و پرخاشگری دانشجویان. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۲(۷)، ۵۵۸-۵۴۶.
- خرمائی، فرهاد و قائمی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه منش-های اخلاقی. بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- خرمائی، فرهاد و محمودنژاد، خاتون. (زیر چاپ). رابطه منش‌های اخلاقی و بی‌صدافتی تحصیلی دانشجویان: نقش واسطه‌گری عدم درگیری اخلاقی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی.
- خرم‌روز، سید جواد، ملتفت، قوام و فیروزی، محمدرضا. (۱۳۹۷). رابطه بین دلبستگی به خدا با بهزیستی روان‌شناختی و نقش واسطه‌ای احساس شرم و گناه. مجله ارمغان دانش، ۲۳(۱)، ۱۲۳-۱۱۲.
- ربانی، زینب، بیگدلی، ایمان‌اله و نجفی، محمود. (۱۳۹۴). رابطه مذهب با سلامت‌روان: نقش میانجی احساس شرم و گناه. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۵(۱)، ۱۵۳-۱۳۴.
- سعیدی، الهام، صبوری مقدم، حسن و هاشمی، تورج. (۱۳۹۹). پیش‌بینی رابطه هوش هیجانی و نشخوار خشم با پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه تبریز. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۸۲-۶۵.
- شکوفه فرد، شایسته و خرمائی، فرهاد. (۱۳۹۱). صبر و بررسی نقش پیش‌بین مؤلفه‌های آن در پرخاشگری دانشجویان. روان‌شناسی و دین، ۵(۲)، ۱۱۲-۹۹.
- صیدی، ستار، صفاری‌نیا، مجید و احمدیان، حمزه. (۱۳۹۸). مدل ارتباط پرخاشگری و دیدگاه‌گیری اجتماعی با رفتار جامعه‌پسند با نقش واسطه‌ای اعتماد اجتماعی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۹(۳۶)، ۲۰-۱.

- کراهه، باربارا. (۱۳۹۰/۲۰۰۶). پرخاشگری از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی (ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد). تهران: انتشارات رشد.
- محمدی، نوراله. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه پرخاشگری باس-پری. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵(۴)، ۱۳۵-۱۵۱.
- Abe, J. A. (2004). *Shame, guilt, and personality judgment*. *Journal of Research in Personality*, 38(2), 85-104.
 - Abraham, J., & Pane, M.M. (2016). *Conscientiousness and collectivism as the predictors of shame and guilt proneness*. *Asian Journal of Quality of Life*, 1(3), 1-9.
 - Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). *Human aggression*. *Annual Review of Psychology*, 53(1), 27-51.
 - Arsenio, W. F., & Lemerise, E. A. (2004). *Aggression and moral development: Integrating social information processing and moral domain models*, *Child Development*, 75 (4), 987-1002.
 - Aslund, C., Starrin, B., Leppert, J., & Nilsson, K. W. (2009). *Social status and shaming experiences related to adolescent overt aggression at school*. *Aggressive Behavior*, 35, 1-13.
 - Barlett, C. P., & Anderson, C. A. (2012). *Direct and indirect relations between the big five personality traits and aggressive and violent behavior*. *Personality and Individual Differences*, 52, 870-875.
 - Bettencourt, B. A., Talley, A., Benjamin, A. J., & Valentine, J. (2006). *Personality and aggressive behavior under provoking and neutral conditions: A meta-analytic review*. *Psychological Bulletin*, 132(5), 751-777.
 - Bushman, B. J. (2018). *Editorial overview: Aggression and violence*. *Current Opinion Psychology*, 19, 4-6.
 - Buss, A. H., & Perry, M. (1992). *The aggression questionnaire*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63 (3), 452-459.
 - Chester, D. S., Merwin, L. M., & DeWall, C. N. (2014). *Maladaptive perfectionism's link to aggression and self-harm: Emotion regulation as a mechanism*. *Aggressive Behavior*, 41(5), 443-454.
 - Cloninger, C. R., Svrakic, D. M., & Przybeck, T. R. (1993). *A psychobiological model of temperament and character*. *Archives of General Psychiatry*, 50, 975-990.
 - Cohen, T. R., & Morse, L. (2014). *Moral character: What it is and what it does*. *Research in Organizational Behavior*, 34, 43-61.
 - Cohen, T. R., Wolf, S. T., Panter, A. T., & Insko, CH. A. (2011). *Introducing the GASP Scale: A new measure of guilt and shame proneness*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100(5), 947-966.
 - Costa, P. T., & McCrea, R. R. (2008). *The revised NEO personality inventory (NEO-PI-R) and the NEO inventories*. *Odessa, FL: Psychological Assessment Resources*. 223-253.

- Dunlop, P. D., Lee, K., Ashton, M. C., Butcher, S. B., & Dykstra, A. (2015). Please accept my sincere and humble apologies: The HEXACO model of personality and the proclivity to apologize. *Personality and Individual Differences*, 79, 140-145.
- Egan, L. A., & Todorov, N. (2009). Forgiveness as a coping strategy to allow school students to deal with the effects of being bullied: Theoretical and empirical discussion. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 28, 198-222.
- Erden, S., & Akbag, M. (2015). How do personality traits effect shame and guilt? An evaluation of the Turkish culture. *Eurasian Journal of Educational Research*, 58, 113-132.
- Exline, J. J. (2002). The picture is getting clearer, but is the scope too limited? Three overlooked questions in the psychology of religion. *Psychological Inquiry*, 13(3), 245-247.
- Fang, Y., Dong, Y., & Fang, L. (2019). Honesty-humility and prosocial behavior: The mediating roles of perspective taking and guilt-proneness. *Scandinavian Journal of Psychology*, 60, 386-393.
- Gleason, K. A., Jensen-Campbell, L. A., & South Richardson, D. (2004). Agreeableness as a predictor of aggression in adolescence. *Aggressive Behavior*, 30, 43-61.
- Grumm, M., & von Collani, G. (2009). Personality types and self-reported aggressiveness. *Personality and Individual Differences*, 47, 845-850.
- Heaven, C. L. P., Ciarrochi, J., & Leeson, P. (2009). The longitudinal links between shame and increasing hostility during adolescence. *Personality and Individual Differences*, 47, 841-844.
- Huang, J., Tang, J., Tang, L., Chang, H. J., Ma, Y., Yan, Q., & Yu, Y. (2017). Aggression and related stressful life events among Chinese adolescents living in rural areas: A cross-sectional study. *Journal of Affective Disorders*, 211, 20-26.
- Jones, S. E., Miller, J. D., & Lynam, D. R. (2011). Personality, antisocial behavior, and aggression: A meta-analytic review. *Journal of Criminal Justice*, 39, 329-337.
- Kim, Y., & Cohen, T. R. (2015). Moral character and workplace deviance: Recent research and current trends. *Current Opinion in Psychology*, 6, 134-138.
- Kim-Prieto, C., & Diener, E. (2009). Religion as a source of variation in the experience of positive and negative emotions. *The Journal of Positive Psychology*, 4(6), 447-460.
- Kline, R. B. (2016). *Methodology in the social sciences. Principles and practice of structural equation modeling (4th ed.)*. New York, NY, US: Guilford Press.
- Knight, N., M., Dahlen, E. R., Bullock-Yowell, E., & Madson, M. B. (2018). The HEXACO model of personality and dark triad in relational aggression. *Personality and Individual Differences*, 122, 109-114.

- Leach, M. M., Berman, M. E., & Eubanks, L. (2008). *Religious activities, religious orientation, and aggressive behavior. Journal for the Scientific Study of Religion, 47*(2), 311–319.
- Leith, K., & Baumeister, R. (1998). *Empathy, shame, guilt, and narratives of interpersonal conflicts: Guilt-prone people are better at perspective taking. Journal of Personality, 66*(1), 1–37.
- Lewis, H. B. (1971). *Shame and guilt in neurosis. New York.: International Universities Press.*
- Megias, A., Gomez-Leal, R., Gutierrez-Cobo, M. J., Cabello, R., & Fernández-Berrocal, P. (2018). *The relationship between aggression and ability emotional intelligence: The role of negative affect. Psychiatry Research, 270, 1074–1081.*
- Miles, S. R., Tharp, A. T., Stanford, M., Sharp, C., Menefee, D., & Kent, T. A. (2015). *Emotion dysregulation mediates the relationship between traumatic exposure and aggression in healthy young women. Personality and Individual Differences, 76, 222–227.*
- Ongen, D. E. (2009). *The relationships between perfectionism and aggression among adolescents. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 1*(1), 1073–1077.
- Quintana-Orts, C., Rey, L., & Worthington, E. L. (2019). *The Relationship between forgiveness, bullying, and cyberbullying in adolescence: A systematic review. Trauma, Violence, & Abuse, 22*(486), 1-17.
- Ramírez, J. M., & Andreu, J. M. (2006). *Aggression, and some related psychological constructs (anger, hostility, and impulsivity) some comments from a research project. Neuroscience & Biobehavioral Reviews, 30*(3), 276–291.
- Riek, B. M., & Mania, E. W. (2012). *The antecedents and consequences of interpersonal forgiveness: A meta-analytic review. Personal Relationships, 19, 304–325.*
- Roos, S., Hodges, E. V. E., & Salmivalli, C. (2014). *Do guilt- and shame-proneness differentially predict prosocial, aggressive, and withdrawn behaviors during early adolescence. Developmental Psychology, 50*(3), 941–946.
- Salas-Wright, C. P., Vaughn, M. G., & Maynard, B. R. (2013). *Religiosity and violence among adolescents in the United States. Journal of Interpersonal Violence, 20*(10), 1-23.
- Shepperd, J. A., Miller, W. A., & Smith, C. T. (2015). *Religiousness and aggression in adolescents: The mediating roles of self-control and compassion. Aggressive Behavior, 41, 608–621.*
- Sokolovska, V., Dinic, B. M., & Tomasevic, A. (2018). *Aggressiveness in the HEXACO personality model. Psihologija, 1-20.*
- Stuewig, J., Tangney, J. P., Heigel, C., Harty, L., & McCloskey, L. (2010). *Shaming, blaming, and maiming: Functional links among the moral emotions, externalization of blame, and aggression. Journal of Research in Personality, 44, 91–102.*

- Sydney-Agbor, N. N. (2016). *Impact of religiosity, family relations and gender on aggressive behaviours among undergraduates*. *International Journal of Social Science and Humanity*, 6(1), 42-46.
- Tangney, J. P. (1991). *Moral affect: The good, the bad, and the ugly*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 598-607.
- Tangney, J. P. (1996). *Conceptual and methodological issues in the assessment of shame and guilt*. *Invited Essay*, 34(9), 741-754.
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (2002). *Shame & guilt*. Guilford Press.
- Tangney, J. P., Stuewig, J., & Mashek, D. J. (2007). *Moral Emotions and Moral Behavior*. *Annual Review of Psychology*, 58(1), 345-372.
- Tangney, J. P., Wagner, P. E., & Gramzow, R. (1992a). *Proneness to shame, proneness to guilt, and psychopathology*. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 469-478.
- Tangney, J. P., Wagner, P. E., Hill-Barlow, D., Marschall, D. E., & Gramzow, R. (1996b). *Relation of shame and guilt to constructive versus destructive responses to anger across the lifespan*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(4), 797-809.
- Tangney, J., Wagner, P., Fletcher, C., & Gramzow, R. (1992b). *Shamed into anger? The relation of shame and guilt to anger and self-reported aggression*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(4), 669-675.
- Toussaint, L. L., Worthington, E. L. J., & Williams, D. R. (Eds.). (2015). *Forgiveness and health: Scientific evidence and theories relating forgiveness to better health*. Dordrecht, the Netherlands: Springer.
- Tracy, J. L., & Robins, R. W. (2004). *Putting the self into self-conscious emotions: A theoretical model*. *Psychological Inquiry*, 15, 103-125.
- Tracy, T. L., & Robins, R. W. (2006). *Appraisal antecedents of shame and guilt: Support for a theoretical model*. *Personality and Social Psychology*, 32(10), 1339-1351.
- Tremblay, P. F., & Ewart, L. A. (2005). *The buss and perry aggression Questionnaire and its relations to values, the big five, provoking hypothetical situations, alcohol consumption patterns, and alcohol expectancies*. *Personality and Individual Differences*, 38, 337-346.
- Van Der Wal, R. C., Karremans, J. C., & Cillessen, A. H. N. (2017). *Causes and consequences of children's forgiveness*. *Child Development Perspectives*, 11, 97-101.
- Watson, H., Rapee, R., & Todorov, N. (2015). *Forgiveness reduces anger in a school bullying context*. *Journal of Interpersonal Violence*, 1, 1-16.
- Watson, S., Gomes, R., & Gullone, E. (2015). *The Shame and Guilt Scales of the Test of Self-Conscious Affect-Adolescent (TOSCA-A): Factor Structure, Concurrent and Discriminant Validity, and Measurement and Structural Invariance across Ratings of Males and Females*. *Assessment*, 24(4), 517-527.

- Webb, J. R., Dula, C. S., & Brewer, K. (2012). *Forgiveness and aggression among College Students. Journal of Spirituality in Mental Health, 14(1)*, 38–58.
- Witvliet, C. V. O., Ludwig, T. E., & Laan, K. L. V. (2001). *Granting forgiveness or harboring grudges: Implications for emotion, physiology, and health. Psychological Science, 12(2)*, 117–123.

